

# تفسیر آفتاب

## لَوْحٌ مِّبْرَكٌ

لوح مبارک که بعد از صعود جمال قدم جلال ذکره الاظم از برای من ادرک لقاء رب اقا میرزا ابوالفضل نازل شده است

### هو الالهی

يا ابا الفضائل واته واجبه چند است که بوی معانی اش ریاض قلب آن معین عرفان بمشام مشناقان نرسیده و حرارت حرکت شوقیه شعله اش بجزند دلهای دوستان حقیقی نرسیده و حال آنکه مکتوب مفصلی در بیان حرقت از فرقت عبور بآفاق ارسال شد دلیل و صراط ظهور نمود و اشاره قبول مشهور نگشت معلوم است که این افسردگی و پژمردگی از شدت احتراق از فراق عبور بآفاق است و این خمودت از کمشت تا اثرات در مصیبت گیری و کفن انوار شمس حقیقت را افوی نه و امواج بحر اعظم را سکونی و کمونی نیست فیضات مکتوب ای همی استمرار و تجلیات جبروت اعلی مترادف ابر نیسان عنایت فاضل است و شیران محبت الله در خسد امکان نابین تابد از رفیق ابعی تابع است و توفیق از حضرت کبریا متواتر اگر آن آفتاب باشد از افق ادنی که افق امکان است غایت از افق اعلی طالع و کایح اگر به حال ابصار بشر بسبب تنگی

از مشاهده آفتاب حقیقت بودانی حروم و ممنوع و محجب بود حال آن حجاب که در هر عهد و عصر و سبب انکار بود کشف القطار گردید چه که در جمیع احیان ظهور کرد مظاهر احدیتش از مطلع امکان طالع شدند بهمان اعظمشان این بود که میگفتند " اِنَّمَا أَنْتَ نُورٌ مِّثْلَنَا " و ما هذا الا بسیرتکم خلاصه ظهور آن مظهر احدیت را از مطلع بشریت علت بطلان میسر شدند و ب انکار میکردند و بعد از صعود مؤمن و مؤمن میشدند زیرا بظاهر شمع بشری ملاحظه نمیکردند لهذا منتهیه قوت بر قیاس و حجج الی میشدند و منظر " وَبَصْرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ " میگشتند چنانچه اگر ملاحظه بفرمایید مشهود میگردد که در جمیع اعصار علاوه کلمه الله بعد از صعود مشایخ انوار باطن اعلی گردید چه که ناس قطع ایمان بغیب را خوشتر دارند و دلگشز شمرند در جمیع احیان درین ظهور انکار نمودند و استکار و رزیدند و بهانه جتند و در کانه او هام اشیا کردند و چون ملاحظه می نمودند که شخصی به شکل بشری ظاهر و شایسته جسمانی دارند از موهبت برائی محجب میمانند چون بصیر شیطان که نظر در حجم خاک و طلم ترابی حضرت آدم کرد و از آن کنیز پایان که اعظم مرهقه الهیه و اشرف منقبت انسانی است کور و نابینا شد " وَخَلَقْنَا مِنْ نَارٍ وَخَلَقْنَا مِنْ طِينٍ " گفت .

باین مقصود این است که در رساله ایقان هیچکس  
 بشری را منزله صحاب شمرده اند و حقیقت فدائیه را بمنزله  
 آفتاب و حینئذ تشهدون این الا اننا انبأ علی  
 صحاب السماء یقوتون بحجر عظیم عبارت از خلیل را این  
 گونه تفسیر و تاول فرموده اند

پس حال وقت شعله و اشتفالات و هنگام نذر انجذاب  
 وقت آنست چون بجز و جوش آید و چون صحاب در سب  
 و غرور و چون حمامه مدینه و فاد فرجه و ترانگوش  
 و چون طهر سما و بقار در غرغ و فوا آید ای بیلان کلان  
 هدایت و ای هدیه ان سبای غایت و قن جوش و غرور  
 است و هنگام نغمه و آهنگ است و تنگ منشد و  
 عزون و در خون نجسید پرواز باوج علامت آید و انجا  
 آواز در گلشن ری نماید قصد سبای رحمن کنید و  
 آهنگ یاض حضرتتان اگر در این بهار الهی نغمه سزا  
 و چه موسی آواز ساز غناید و بگلهای معانی هم و همراز  
 گردید

یا ایا الفضل این اشغال نام سدرتک و این اشراق  
 اول رحمتک و این امواج بحر عرفانک و این نسام باطنک  
 و این نغمات الشارة للآذان و این نغمات المعطره لشمس  
 اهل الکمان این جذبه قلبک و این سعه صدقک و این  
 بشاره روعک و این اشغال جذوتک و این شعله قبضتک  
 مع الشکر و لوکان فی هذه الايام الممودة من شدة الحور  
 ممدوحه ممدوحه فاخرج من زاویه الخول و اقصی القبول و طر  
 فی هذا الفضاء الالهی و ادخل حقیقه امر الله یعیانک علی نفس  
 روح قدسه و علاه کلمه قیامت لزل به اركان الشکر و بر تعبیه  
 فرائض الاحجاب عن الابواب و تطو معلم العرقان و تنشر اعلام  
 الايمان و تحقق رايات البیان و یرتفع شرع الحیاة فی سفینه النجاه  
 علی بحر الامکان

جناب القاسم بعد در خصوص حرکت آنحضرت بصفحات بمبئی  
 تفصیلی مرقوم فرموده اند جناب آقا میرزا عزیز الله تفصیلاً

معرض خواهند نمود اگر چنانچه موافق رای واقع شد  
 بنظر چنین میاید که وجود آنحضرت شرف جریبیک خواهد  
 شد و صورت تقسم بر عزیت بنظر چنان میاید که اول  
 بنایت تربت طاهر مشرف شید بعد عالم آن سمت  
 گردید و الروح و البهارة و الشارة علیک بنهایت استهال

مرقوم شد عفو فرمائید (عبده عباس)  
 رساله استدلالیه که اثر نامه آن جان پاک بود قرآ  
 و تدوین شد بشکرات الطاف حضرت احدیت لسان  
 کشیدیم که نیایدات تکوت ابهاش نفرسی سبوح فرموده  
 که بحدایت جمیع ذریع عالم قیام نمایند و نطق و بیان و قوت  
 برهانشان را در جمیع مملع عالم محال و مقابله نباشد  
 فشرک علی ما انطقک بشانه و اقامک علی بیان برهان  
 و اثبات حجه و دلائله و اظهار امر بین ملکوت خلقه و لو  
 کان للناس اذان واعیه و عقول نکیه و نفوس مطمئنه  
 و قلوب صافیه لکنتم هذه الرساله و انی لا اضرع  
 الی الله ان یجعل آیه الهدی و رایة التقی و منار  
 العرفان و مطلع الایقان و معهد الطریق و الدال علی سوا  
 السبیل بین ملاء الوجود و قائد جنود الحیات فی ملکوت  
 الشهود انه موبد من یشاء و انه لعلی کل شی قدیر  
 و البهارة علیک ع ع